

دبیرستان فرزنانگان خرمنشهر

آری، میهن شکوهمند ما، این خاستگاه بخردان و دانایان و روشن رایان، این کانون روشنی و راستی، این کشور مردان گُرد، یلان پُر دل، دلیران و شیران، پهلوانانی نامدار، سرزمینی است که ما بدان می نازیم و سر از همگان بر می افرازیم.

پهلول گفت: « تو دعوی دانایی می کردی، اکنون که به نادانی خود معترف شدی ، تو را بیاموزم.» بدان که اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن آن است که لقمه حلال باید و اگر حرام را صد از این گونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و سبب تاریکی دل شود.

بعد از این ماجرا، امیر کبیر با صدای رسا خطاب به اطرافیان گفت : « مسئول جهل مردم ما هستیم. اگر ما در هر روستا و کوچه و خیابانی مدرسه بسازیم و کتابخانه ایجاد کنیم، این وضع پیش نمی آید. تمام بچه های ایران، فرزندان حقیقی من هستند.»

دو نامه سید جمال الدین اسد آبادی و میرزای بزرگ، کار خود را کرده بود: قلیان ها شکسته شد؛ تنباکو تحریم شد؛ شاه به تنگنا افتاد و توطئه انگلیس شکست خورد.

در آن ایام که دشمن، از آسمان و زمین، آتش بمب و موشک بر سر مردم بی گناه این سرزمین فرو می ریخت، ایران سرافراز هرگز رنگ نباخت و بر خود نلرزد و جنب و جوش خود را رها نکرد؛ پا برجا ماند و درس پاکی، پایداری و پاسداری را به انسان های آزاده و دل زنده جهان آموخت.

چیزی که بر درخشش این انقلاب می افزاید ، بهره گیری از تعالیم اسلامی و ارزش های فرهنگ ایرانی است؛ زیرا، باطن هر ایرانی همواره ریشه در دو سرچشمه زایا دارد؛ یعنی « دین» و « فرهنگ» و همین دو است که او را پاینده و استوار می دارد.

این یکی از عادات ماست که هرچه را داریم، پاس نمی داریم و همین که از دست رفت، متوجه خطای خود می شویم، انگشت ندامت به دندان می گزیم و سودی نمی بریم. بنابراین، همیشه باید به خاطر داشته باشیم که وقت، عزیز و گران بهاست، از تلف کردن آن جز حسرت و ندامت ثمری نخواهیم برد.